

رقابت سیاسی و سیاسی

در جمهوری اسلامی ایران

دکتر غلامرضا فواجه سرروی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

www.KetabFarsi.com

**رقابت سیاسی و ثبات سیاسی
در جمهوری اسلامی ایران**

دکتر غلامرضا خواجه‌سروی

تابستان ۱۳۸۲

خواججه سروی، غلامرضا، ۱۳۳۷-

رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران / غلامرضا خواججه سروی. - تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲.

۵۰۸ ص. - (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۲۲۴. اندیشه‌های سیاسی، ۱۵)

ISBN 964- 8134- 25- 1

۳۲۰۰۰ ریال

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیها.

کتابنامه: ص. [۳۶۳]-۳۷۶ همچنین به صورت زیرنویس.

۱. ثبات سیاسی - ایران، ۲. ایران - سیاست و حکومت - قرن ۱۳ ق. - ۱۴، ۳. حزب‌های سیاسی - ایران، ۴. قدرت (علوم اجتماعی) - ایران.

الف. مرکز اسناد انقلاب اسلامی. ب. عنوان. ج. عنوان: مطالعه موردی جمهوری اسلامی ایران.

۳۲۰/۰۱۱

۷ ر ۹ خ / ۲ / ۲۳۳۰ JC

۸۲-۱۱۹۶۸ م

کتابخانه ملی ایران



انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی

عنوان: رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران

تألیف: غلامرضا خواججه سروی

چاپ اول: تابستان ۱۳۸۲ شمارگان: ۲۵۰۰ قیمت: ۳۲۰۰۰ تومان

حروفچینی و لیتوگرافی: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی

چاپ و صحافی: چاپخانه مرکز اسناد انقلاب اسلامی

ISBN: 964- 8134- 25- 1

شابک: ۹۶۴-۸۱۳۴-۲۵-۱

کلمه حقوق این اثر برای نظر محفوظ است.

نشانی: تهران، خیابان شریعتی، نرسیده به میدان قدس، روبروی پمپ بنزین اسدی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی

صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۳۸۹۶ تلفن: ۲۲۱۱۱۹۴، فکس: ۲۱۱۱۱۷۳، www.irdc.org

فهرست مطالب

۱۱ مقدمه
	بخش اول
۱۵ کلیات
۱۷ فصل اول: پیکربندی
۱۷ ۱- طرح مسأله
۲۴ ۲- تعریف مفاهیم و ابعاد موضوع
۲۸ ۳- سؤال اصلی و سئوالات فرعی
۲۹ ۴- فرضیه‌ی اصلی و فرضیه‌های فرعی پژوهش
۳۱ الف: فرضیه‌ی اصلی
۳۱ ب: فرضیه‌های فرعی
۳۶ ۵- هدف و اهمیت موضوع
۳۶ ۶- محدوده‌ی زمانی و مکانی تحقیق
۳۶ ۷- سازماندهی پژوهش
۳۷ ۸- روش و منابع تحقیق
۳۹ فصل دوم: تعاریف و مفاهیم
۳۹ ۱- رقابت سیاسی
۴۲ الف: رقابت سیاسی از لحاظ لغوی
۴۷ ب: رقابت سیاسی اصطلاحی
۴۷ ۱- درباره‌ی تحول تاریخی مفهوم رقابت سیاسی
۵۵ ۲- درباره‌ی بستر نظری رقابت سیاسی

- ۵۶ ۲-۱: تکثر سیاسی
- ۵۹ ۲-۲: آزادی
- ۶۰ ۲-۳: اقتدار
- ۶۲ ۲-۴: نهادمندی
- ۶۲ ۲-۵: فرهنگ رقابت
- ۶۵ ۳-درباره‌ی الگوها و نهادهای رقابت سیاسی
- ۶۵ ۳-۱: نیروهای سیاسی رقیب
- ۶۶ ۳-۲: الگوهای رقابت سیاسی
- ۷۰ ۳-۳: نهادهای رقابت سیاسی
- ۷۲ ۳-۴: رقابت سیاسی و مشارکت سیاسی
- ۷۴ ۲-ثبات سیاسی
- ۷۷ الف: ثبات سیاسی از لحاظ لغوی
- ۸۱ ب: ثبات سیاسی: تعریف اصطلاحی
- ۸۲ ۱- تعاریف مختصر ثبات سیاسی
- ۸۲ ۱-۱: ثبات سیاسی از دیدگاه دانیل لورنر
- ۸۴ ۱-۲: ثبات سیاسی از دیدگاه دانکوارت روستر
- ۸۶ ۱-۳: ثبات سیاسی از دیدگاه ملوین بست
- ۸۹ ۱-۴: ثبات سیاسی از دیدگاه بی. سی. اسمیت
- ۹۳ ۱-۵: ثبات سیاسی از دیدگاه ایان لاستیک
- ۹۵ ۲- تعریف تفصیلی ثبات سیاسی
- ۹۶ ۲-۱: مکتب تداوم
- ۹۸ نقد مکتب تداوم
- ۱۰۰ ۲-۲: مکتب فراوانی (تحلیل عاملی)
- ۱۰۱ نقد مکتب فراوانی
- ۱۰۲ ۲-۳: مکتب روزنامه‌نگارانه (ژورنالیستی)
- ۱۰۳ نقد مکتب روزنامه‌نگارانه

۱۰۳	۲-۴: ثبات سیاسی از دیدگاه ساندرز
۱۰۸	خلاصه و جمع‌بندی
۱۰۹	فصل سوم: تلاش برای دستیابی به چارچوب تحلیلی
۱۰۹	مقدمه
۱۱۰	۱- رقابت سیاسی و شاخص‌های آن
۱۲۰	۲- دستورالعمل دال و رقابت سیاسی
۱۲۲	۳- دستورالعمل هاتینگتون و رقابت سیاسی
۱۲۵	۴- دیدگاه لوسین پای و رقابت سیاسی
۱۲۹	۵- ثبات سیاسی و شاخص‌های آن
۱۳۰	الف: تعریف ثبات سیاسی از دیدگاه ساندرز (یادآوری)
۱۳۱	ب: شاخص‌های ثبات و بی‌ثباتی سیاسی از دیدگاه ساندرز
۱۳۶	۱- الگوهای فضایی
۱۳۷	۲- الگوهای زمانی
۱۳۸	۶- چارچوب تحلیلی تأثیر رقابت سیاسی بر ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی
۱۴۰	۷- خلاصه و نتیجه
	فصل چهارم: پیشینه‌ی تاریخی رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در
۱۴۳	ایران (۱۳۵۷-۱۲۸۵)
۱۴۶	۱- هنجار عادی و قواعد رقابت سیاسی در دوره‌ی مشروطیت
۱۴۸	الف: هنجار عادی
۱۵۱	ب: قواعد رقابت سیاسی
۱۵۵	۲- نیروهای سیاسی رقیب
۱۵۵	الف: در دوره‌ی قبل از مشروطیت
۱۵۷	مبنای فکری نیروهای سیاسی سه‌گانه‌ی رقیب
۱۵۷	۱- نیروی مذهبی
۱۵۸	۲- نیروی روشنفکری
۱۵۹	۳- نیروی خودکامه‌ی استبدادی

۱۶۰	ب: در دوره‌ی پس از پیروزی نهضت مشروطیت
۱۶۴	۳- تجربه‌ی رقابت و ثبات سیاسی در دوره‌ی مشروطیت
۱۶۴	الف: دوره‌ی صدر مشروطیت (۱۲۸۵-۱۳۰۴)
۱۶۴	۱: از تدوین قانون اساسی مشروطیت تا بمباران مجلس
۱۷۱	۲: دوره‌ی استبداد صغیر
۱۷۳	۳: از شکل‌گیری مجدد مشروطه تا کودتای ۱۲۹۹
۱۸۱	۴: از کودتای سوم اسفند تا انتقال سلطنت (۱۳۰۴-۱۲۹۹)
۱۸۳	ب: دوره‌ی دوازده ساله‌ی ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲
۱۸۴	۱: دوره‌ی ۱۳۲۸ - ۱۳۲۰
۱۹۵	۲: دوره‌ی ۱۳۲۸-۱۳۳۲
۲۰۱	نتیجه‌گیری

بخش دوم

رقابت سیاسی و نوسانات ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران

۲۰۷	(۱۳۵۷-۱۳۸۰)
-----	-------------

فصل پنجم: در تلاش برای ریشه‌کنی رقابت سیاسی برانداز: گام‌های

۲۰۹	آغازین متعادل‌سازی رقابت سیاسی و ثبات سیاسی (۱۳۶۴-۱۳۵۷)
-----	---

۲۰۹	مقدمه
-----	-------

۲۱۰	۱- هنجار عادی و قواعد رقابت سیاسی در دوره‌ی جمهوری اسلامی
-----	---

۲۱۲	الف: هنجار عادی و قواعد رقابت سیاسی دوره‌ی موقتی
-----	--

ب: قواعد رقابت سیاسی و هنجار عادی پس از تصویب قانون اساسی

۲۱۵	جمهوری اسلامی
-----	---------------

۲۱۶	۱: اصول کلی قواعد رقابت سیاسی
-----	-------------------------------

۲۱۹	۲: هنجار عادی جامعه‌ی ایران (از تصویب قانون اساسی به بعد)
-----	---

۲۲۲	۲- نیروهای سیاسی رقیب و مبانی فکری آن
-----	---------------------------------------

۲۲۵	الف: نیروی مذهبی
-----	------------------

۲۲۷	ب: نیروی لیبرال.....
۲۲۹	ج: نیروی سوسیالیست.....
۲۳۰	د: نیروی التقاطی.....
۲۳۲	۳- دوره‌ی موقتی.....
۲۳۳	الف: تعیین نوع نظام.....
۲۴۲	ب: تدوین و تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی.....
۲۶۴	ج: اولین انتخابات ریاست جمهوری.....
۲۶۸	د: انتخابات اولین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی.....
۲۷۸	ه: انتخاب اولین نخست‌وزیر.....
۲۸۶	۴- دوره‌ی دایمی.....
۳۰۱	نتیجه‌گیری.....
۳۰۵	فصل ششم: رقابت سیاسی و ثبات سیاسی کنترل شده (۱۳۷۶-۱۳۶۴).....
۳۰۵	مقدمه.....
۳۰۷	۱- طیف‌های رقیب و مواضع آن‌ها.....
۳۰۷	الف: نگاهی به مفاهیم چپ و راست.....
۳۱۰	ب: مواضع دو جناح سیاسی جمهوری اسلامی.....
۳۱۵	۲- تداوم رقابت سیاسی در زمان جنگ: از مجلس دوم تا مجلس سوم.....
۳۲۲	۳- به سوی رشد رقابت سیاسی در دوره‌ی پس از جنگ.....
۳۳۲	الف: از مجلس سوم تا مجلس چهارم.....
۳۴۷	ب: از مجلس چهارم تا آغاز دوره‌ی ریاست جمهوری خاتمی.....
۳۶۷	نتیجه‌گیری.....
۳۷۱	فصل هفتم: باز رخدادهای قاعدگی‌ها (۱۳۸۰-۱۳۷۶).....
۳۷۱	مقدمه.....
۳۷۲	۱- طیف‌های رقیب و مواضع آن‌ها.....
۳۷۴	الف: جناح چپ و تشکیل جبهه‌ی دوم خرداد.....
۳۷۶	ا: برخی مواضع سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران.....

۳۷۹	۲: حزب کارگزاران سازندگی: برخی مواضع
۳۸۲	ب: جناح راست
۳۸۴	۱- از تشکیل دولت خاتمی تا شکل‌گیری مجلس ششم شورای اسلامی ..
	۲- از شکل‌گیری مجلس ششم شورای اسلامی تا تشکیل دولت
۴۱۷	دوم خاتمی
۴۲۹	نتیجه‌گیری
۴۳۳	فصل هشتم: چه باید کرد؟ (نتیجه‌گیری)
۴۳۴	۱- مروری دوباره بر نتایج فصول گذشته
۴۳۴	الف: تعریف مطلوب از رقابت سیاسی و ثبات سیاسی
۴۳۴	ب: چارچوب راهنما
	ج: تجربه‌ی رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در دوره‌ی پیش از پیروزی
۴۳۶	انقلاب اسلامی
۴۳۸	د: در تلاش برای ریشه‌کنی رقابت سیاسی برانداز
۴۴۱	ه: رقابت سیاسی و ثبات سیاسی کنترل شده
۴۴۳	۱- باز رخدادهای قاعدگی‌ها
۴۴۶	۲- استنتاج‌های کلی
۴۵۶	۳- ارزیابی فرضیه‌ی اصلی پژوهش
۴۵۷	۴- مدل پیشنهادی
۴۶۰	۵- توصیه‌های کاربردی
۴۶۳	فهرست منابع
۴۷۷	فهرست اعلام

مقدمه‌ی ناشر

جمهوری اسلامی ایران نظامی نوپاست و تحقق اهداف و آرمان‌هایی را در قالب دین اسلام در کانون توجه خود قرار داده است و تاکنون نیز در این راه گام‌های مهمی برداشته است. یکی از این اهداف و آرمان‌ها دستیابی به حداکثر میزان مشارکت مردم در حاکمیت بر سرنوشت خود بوده که هیچگاه تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی محقق نشده بوده است. معماران نظام جمهوری اسلامی تلاش کردند در میثاق ملی مردم ایران (قانون اساسی جمهوری اسلامی) زمینه‌های مشارکت مردم را در تأثیرگذاری بر سرنوشت خود فراهم کنند.

با فراهم شدن این زمینه‌ها در ایران برای تأثیرگذاری بر ابعاد مختلف زندگی سیاسی، رقابت سیاسی بین نیروهای مختلف آغاز گردید. نظر به این‌که رقابتی آزاد و این‌گونه مسبوق به سابقه‌ی قبلی نبود، نشیب و فرازهای مختلفی را پشت سر گذاشت. نبود سابقه‌ی رقابت به این صورت هم به این نکته برمی‌گشت که در قسمت اعظم دوره‌ی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، حکومت استبدادی پهلوی‌ها حاکم بود که در آن رقابت سیاسی قاعدتاً جایی نداشت و در دو مقطع صدر مشروطیت و دهه‌ی ۱۳۲۰ هم که رقابت سیاسی صورت گرفت، حاصل آن از هم پاشیدگی امور سیاسی و اجتماعی یا بی‌ثباتی سیاسی شدید بود؛ یعنی به جای این‌که رقابت سیاسی نقش مکمل را برای ثبات سیاسی بازی کند، آن را تخریب کرد.

با این پیش‌زمینه رقابت سیاسی در جمهوری اسلامی آغاز شد و تأثیرات مختلفی را بر ثبات سیاسی بر جای نهاد. نظر به اهمیت فراوان ثبات سیاسی و رقابت سیاسی و این‌که مطالعه‌ی چندانی روی آن دو صورت نگرفته است، به چاپ و انتشار کتاب حاضر اقدام شد تا خلأی که در این زمینه وجود دارد تا حدی پر شود. ویژگی مهم اثر حاضر آن است که بدون این‌که در پی تحمیل نظریه‌ای بر ایران باشد، تلاش کرده مقارنه‌ی

رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی را مطالعه کرده و از همین مطالعه به راهکاری برای برقراری و تقویت مقارنه‌ی رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی دست یابد.

امید است چاپ و انتشار این کتاب بتواند راه‌گشا و مشوق مطالعه‌ی هر چه بیشتر و بهتر مسایل ایران باشد.

در پایان از زحمات مؤلف محترم و همکاران پرتلاش معاونت محترم انتشارات قدردانی می‌کنیم.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

پیش‌گفتار

علوم سیاسی در کشور ما از ویژگی‌های خاصی برخوردار بوده و می‌باشد: همانند بسیاری از شاخه‌های دیگر دانش تجربی دانش سیاسی (politics = political science) نیز دستاورد تمدن غرب است که به ایران وارد شده است؛ همانطور که نخبگان فرهنگی به آموختن و آموزش محتوای سایر شاخه‌های دانش تجربی بعضاً بی‌هدف، دست‌یازیده‌اند، دانش سیاسی نیز از چنین رویکردی بی‌نصیب نبوده است؛ مشابه وضعیت بسیاری از شاخه‌های دانش تجربی نیازسنجی مبنای پذیرش، رشد و توسعه‌ی این رشته از دانش تجربی نبوده است؛ و مهمتر از همه نظیر اکثریت قریب به اتفاق محتوای رشته‌های علوم تجربی دانش سیاسی نیز از بومی‌سازی بی‌بهره بوده است.

یکی از نمودهای عدم بومی‌سازی و نیازسنجی نشدن این دانش، بی‌تفاوتی نسبت به مطالعه‌ی دقیق، منصفانه و بومی مسایل سیاسی ایران و سخن گفتن نخبگان این رشته از موضع اوپوزیسیون علیه سیاست و حکومت در ایران است. مبنای نگاه اوپوزیسیونی نخبگان علوم سیاسی نیز نظرگاه‌های دانشمندان علوم سیاسی در غرب بوده است. نخبگان علوم سیاسی ما با مطلوب و مقدس انگاشتن آنچه در حوزه سیاست و حکومت غربی رخ داده آنچه در ایران در حوزه سیاست و حکومت رخ داده و می‌دهد را فقط و فقط به باد انتقاد گرفته و می‌گیرند و همواره از بومی فکر کردن، بومی مطالعه کردن و اراییه‌ی راه حل‌هایی که متناسب با جامعه‌ی ایران باشد ناتوان بوده و می‌باشند. رژیم گذشته فاقد شروعات حکمروایی و به دلیل داشتن مبنای کودتایی فاقد مقبولیت مردمی بود. به همین دلیل اگر انتقاد و موضع اوپوزیسیونی در آن دوره را پسندیده فرض کنیم تداوم همان رویه در دوره‌ی جمهوری اسلامی بسی ناپسند است.

هیچ‌کس منکر ایجاد جمهوری اسلامی و تداوم حیات آن به دست مردم ایران نیست. اگر مردم‌سالاری را یکی از روش‌های حکومت کردن تلقی کنیم در ربع قرن گذشته

شاهد سالاریت مردم ایران بر سرنوشت خود منتها به روش خودشان بوده‌ایم. وقوع و تحکیم این سالاریت که توسط امام خمینی (ره) رهبری و مدیریت شد و هم‌اکنون نیز توسط ولی فقیه و بر مبنای اصل تداوم حکومت معصوم (ع) در عصر غیبت امام زمان (عج) رهبری و مدیریت می‌شود پدیده‌ی مبارکی است که همگان باید قدردان و حافظ دستاوردهای آن باشند.

انقلاب اسلامی مهمترین دستاورد خود را در قالب جمهوری اسلامی به ملت ایران تقدیم داشت و از این طریق خدمات زیادی به مردم سالاری (دموکراسی) در ایران کرد. حال که سبکی از مردم سالاری در ایران ایجاد شده به جاست که تغییرات عمیقی در همه‌ی سطوح نامطلوب به جا مانده از استبداد حاصل گردد. علوم سیاسی نیز باید مسیر و جهت کاری خود را عوض نموده و خود را وقف پیشرفت کشور اسلامی کند. مهمترین راه در این زمینه بررسی دقیق و مطالعه‌ی عمیق مسائل ایران است.

به امید گشودن دریچه‌ای در عالم نگاه به داخل بود که نگارنده این موضوع را برای پایان‌نامه‌ی دکترای علوم سیاسی در دانشگاه امام صادق (ع) انتخاب کرد. تمام تلاش این قلم آن بوده که یکی از موضوعات روز اما فراموش شده از حیث علمی، یعنی رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران را مطالعه نموده و راهکاری هر چند اولیه را برای برقراری موازنه بین ثبات سیاسی و رقابت سیاسی پیشنهاد نماید. بدیهی است سنجش میزان موفقیت در این عرصه برعهده‌ی خوانندگان گرامی است، اما خداوند منان را سپاس می‌گویم که به این کمترین توفیق عطا کرد که گامی هر چند کوچک در راستای مطالعه‌ی یکی از مسائل اساسی نظامی بردارد که پایه‌های معنوی‌اش به دست امام فقید امت بر خون شهیدان گرانقدر استوار شده است.

و همین‌جا لازم است از تمامی عزیزانی که در به ثمر رسیدن این اثر نقش داشتند، دانشگاه امام صادق (ع) و دانشکده‌ی معارف اسلامی و علوم سیاسی آن دانشگاه که این فرصت را در اختیار نهاد و مرکز اسناد انقلاب اسلامی که چاپ و انتشار این اثر را تقبل کرد قدردانی نمایم و مزید توفیقات آنان را برای خدمت هر چه بهتر و بیشتر به ایران اسلامی از خداوند منان آرزو نمایم.

www.KetabFarsi.com

بخش اول

کلیات

www.KetabFarsi.com

فصل اول

پیکربندی

در این فصل طرح تحقیقاتی پژوهش حاضر به طور مفصل تشریح خواهد شد. طرح مسأله، پرسش اصلی، سؤالات فرعی، بیان فرضیه‌ها، مفروضات، متغیرهای پژوهش، ادبیات موجود و دیگر جزئیاتی که پیکره‌ی هر طرح تحقیقاتی را تشکیل می‌دهند، موضوع بررسی این فصل خواهد بود.

۱- طرح مسأله

یکی از جلوه‌های برجسته‌ی تاریخ سیاسی معاصر ایران (و به طور مشخص‌تر تاریخ یک سده‌ی اخیر)، بی‌ثباتی‌های پی‌درپی سیاسی و رقابت خشونت‌آمیز سیاسی است. از زمان وزش نسیم‌های مشروطه‌خواهی در ایران - که به نوعی حکومت وقت را رودرروی بخش‌هایی از نیروهای اجتماعی و نخبگان سیاسی قرار می‌داد و ضمن بی‌معنا دانستن رقابت سیاسی، نسبت به آن حالتی خصمانه می‌گرفت - تا حال حاضر که نظام سیاسی جمهوری اسلامی از طرفی جوایز ثبات و دیرپایی و از سوی دیگر به‌شخصه متولی رقابت سیاسی بین نیروهای اجتماعی است، کشور ایران سده‌ای مملو از بی‌رقابتی، رقابت سیاسی خشونت‌بار و بی‌قاعده و در نهایت بی‌ثباتی سیاسی را پشت سر گذاشته است.

نگاهی به جامعه‌ی ایران پیش از استقرار جمهوری اسلامی، نشان می‌دهد که تقریباً نیمی از مدت زمان استقرار نظام مشروطه‌ی سلطنتی به‌طور متناوب صرف شورش‌ها،

جنبش‌ها، انقلاب‌ها و بی‌ثباتی‌ها و هرج و مرج‌های سیاسی حاصل از آن‌ها و حدوداً نیم دیگر آن به‌طور متناوب تحت حکومت استبدادی سپری شده است. گرچه تبدل حکومت‌ها موجبات عمر کم آن‌ها را فراهم آورده، هیچ‌گاه تعادل سیاسی یا تناسب سیاسی یا تلازم منطقی بین حضور رقابت‌آمیز نیروهای سیاسی در عرصه‌ی قدرت سیاسی و ثبات و دیرپایی نظام سیاسی حاصل نشده است.

جمهوری اسلامی خود را متولی رقابت سیاسی قلمداد کرده است و متولی‌گری خود را طی ۲۳ سال گذشته و در انتخابات‌های مختلف تا حد زیادی به اثبات رسانده و محکم کرده است. از طرف دیگر این نظام از فرصت‌های گوناگون برای ثبات و دیرپایی خود بهره‌جسته و تا حال حاضر علی‌رغم انواع مشکلات و بحران‌ها دوام آورده است؛ اما مقایسه‌ی آنچه طی دو دهه‌ی گذشته در تاریخ جمهوری اسلامی روی داده (مانند درگیری‌ها، خصومت‌ها و تنش‌های سال‌های ۵۷ تا ۶۰ و درگیری‌های سیاسی سال‌های ۶۰ تا ۸۰) با آنچه در سال‌های قبل از انقلاب رخ داده (مانند وقوع انقلاب بزرگ اجتماعی و نهضت بزرگ سیاسی که اولی به تغییراتی بنیادین و دومی به تغییراتی نیمه بنیادین در نظام سیاسی ایران منجر شد، سه کودتا و چند جنبش و اعتراض سیاسی وسیع و سرتاسری، چندین قیام و جنگ داخلی ناحیه‌ای، ده‌ها شورش و ناآرامی‌ها و درگیری‌های محلی، تشنج، درگیری و خشونت پراکنده‌ی سیاسی) نشان از واقعیتی دارد که باید آن را به حق تداوم سنت بی‌قاعدگی رقابت سیاسی، احتمال زیاد وقوع خشونت سیاسی و به دنبال آن بی‌ثباتی سیاسی در شکلی جدید و در نظامی دانست که ماهیتی کاملاً متفاوت با نظام‌های قبلی حاکم بر ایران دارد.

این‌که برای اولین بار در تاریخ صدساله‌ی معاصر ایران «... ملت ایران، براساس اعتقاد دیرینه‌اش به حکومت حق و عدل قرآن، در پی انقلاب اسلامی پیروزمند خود به رهبری مرجع عالی قدر تقلید، آیت‌الله‌العظمی امام خمینی، در همه‌پرسی دهم و یازدهم فروردین ماه یک هزار و سیصد و پنجاه و هشت هجری شمسی... با اکثریت ۹۸/۲٪ کسانی که حق رأی داشتند، به جمهوری اسلامی رأی مثبت»^(۱) داد، یکی از شاخص‌ها و

آغاز نقطه‌ی عطفی جدید و متفاوت از قبل در ایران است؛ زیرا اصل تعیین نظام به رأی گذاشته شد و نظامی با رأی مردم شکل گرفت که در تاریخ ایران اگر نگوییم بی نظیر، واقع‌ای کم نظیر بود. نظامی که این‌گونه شکل گرفت، شناسنامه‌ای متفاوت نیز یافت. این شناسنامه‌ی متفاوت که قانون اساسی جمهوری اسلامی نام دارد، مبین تفاوت ماهوی این نظام با نظام مشروطه‌ی (تنها از نظر اسمی) سلطنتی سابق منهدم شده در ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ است.^(۱)

وجوه تفاوت ساری و جاری در روح و ظاهر این شناسنامه را می‌توان در نکات زیر یافت:

نخست این‌که جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه‌ی ۱- ایمان به خدای یکتا و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او ۲- وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین ۳- معاد و نقش سازنده‌ی آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا ۴- عدل خدا در خلقت و تشریح ۵- امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی ۶- کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا.^(۲)

دوم: در این نظام گفته شده: «کلیه‌ی قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی و غیر این‌ها باید براساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه‌ی اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر برعهده‌ی فقهای شورای نگهبان است.»^(۳)

سوم: در این نظام تا حال حاضر این اصل عملی شده که «در زمان غیبت حضرت ولی

۱. این مطلب را یرواند آبراهامیان نیز به شکل دیگری بیان کرده است:

«قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران کوششی قاطع - برخی می‌گویند، پیچیده - برای ترکیب دموکراسی با تشوکرسی حاکمیت مردمی با افتداز روحانیت، حقوق بشر با حقوق الهی، و فلسفه مونتسکیو با مفهوم ولایت فقیه آیت‌الله روح‌الله خمینی است...»

Ervand Abrahamian, Parliamentary politics in Revolutionary Iran: the Institutionalization of factional politics [Book Review], Middle East journal, vol.53, winter, 1999, p.127.

۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصل دوم

۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصل چهارم

عصر (عج‌الله تعالی فرجه) ولایت امر و امامت امت بر عهده‌ی فقیه عادل و باتقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است...»^(۱) به این ترتیب وجه بنیادین تفاوت این نظام با نظام‌های سیاسی دیگر حاکم در ایران قبل از جمهوری اسلامی (و نظام‌های سیاسی موجود در جهان معاصر) اسلامی بودن آن است؛ خصوصاً اگر اضافه کنیم که «دین رسمی ایران، اسلام و مذهب، جعفری اثنی عشری است و این اصل الی‌الابد غیر قابل تغییر است.»^(۲)

چهارم: در این نظام مقرر گردیده که باید امور کشور به اتکای آرای عمومی اداره شود^(۳) و راه آن نیز انتخابات؛ انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و همه‌پرسی قرار داده شده است.^(۴)

پنجم: شوراها، مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر این‌ها در جمهوری اسلامی از ارکان تصمیم‌گیری و اداره‌ی امور کشور به حساب آمده است.^(۵)

ششم: مقرر گردیده است که «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذة قرار داد.»^(۶)

هفتم: تأکید شده است: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آن‌که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد.»^(۷)

هشتم: به منزله‌ی نمادی از آزادی رفتار سیاسی - ملی، مقرر گردیده که «تشکیل اجتماعات و راه‌پیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آن‌که مخل به مبانی اسلام نباشد، آزاد است.»^(۸)

-
۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصل پنجم
 ۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصل دوازدهم
 ۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصل ششم
 ۴. قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصل ششم
 ۵. قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصل هفتم
 ۶. قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصل بیست و سوم
 ۷. قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصل بیست و چهارم
 ۸. قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصل بیست و هفتم

نهم: برای نشان دادن مصادیق مجاز مشارکت اجتماعی - سیاسی گفته شده است: «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این‌که اصول استقلال، آزادی، وحدت، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور ساخت.»^(۱)

و دیگر این‌که برای عرضه‌ی تجربه‌ای جدید به جهان بشریت و دنیای فارغ از عقلانیت فرهنگی تأکید شده است: «حاکمیت بر جهان و انسان از آن خداست و هم او انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ‌کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را به روش‌های معینی اعمال می‌کند.»^(۲)

همچنین درباره‌ی صورت‌بندی نحوه‌ی اعمال تجربه‌ی جدید عرضه شده، اظهار شده است که «قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارت‌اند از: قوه‌ی مقننه، قوه‌ی مجریه و قوه‌ی قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه‌ی امر و امامت امت... اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند.»^(۳)

و نظر به اهمیت و جدیت نقش مردم در شکل‌دهی برنامه‌ای حکومت گفته شده که «اعمال قوه‌ی مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود.»^(۴) و در همین ارتباط مقرر شده است: «در مسایل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه‌ی مقننه از راه همه‌پرسی و مراجعه‌ی مستقیم به آرای مردم صورت گیرد. درخواست مراجعه به آرای عمومی باید به تصویب دوسوم مجموع نمایندگان مجلس برسد.»^(۵)

علاوه بر این‌که در این نظام «مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملت که به‌طور

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصل بیست و ششم
 ۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصل پنجاه و ششم
 ۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصل پنجاه و هفتم
 ۴. قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصل پنجاه و هشتم
 ۵. قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصل و پنجاه و نهم

مستقیم و با رأی مخفی انتخاب می‌شوند، تشکیل می‌گردد»^(۱) برابر شناسنامه‌ی این حکومت، تعیین رهبر نیز بر عهده‌ی خبرگان منتخب مردم است^(۲) و «ریس جمهور نیز با اکثریت مطلق آرای شرکت‌کنندگان انتخاب می‌شود...»^(۳) نهایت این‌که در عین حال که این نظام سیاسی راه بازنگری در ساز و کارهای اجرایی عملکردی و سیاستگذاری خود را برای حفظ دیرپایی و ثبات خود بازگذاشته است، با این بیان که «محتوای اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتدای کلیه‌ی قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی و پایه‌ای ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت و نیز اداره‌ی امور کشور با اتکا به آرای عمومی و دین و مذهب رسمی ایران، تغییرناپذیر است»^(۴) به تغییر ماهیت، چارچوبه‌ی بنیادین و سنگ بنای مذهبی خود رضایت نداده است. بدین ترتیب در جمهوری اسلامی به نحوی از انحا و در قالبی معین و تعریف شده، مشارکت و رقابت سیاسی پذیرفته شده و حکومت خود را ضامن اجرای آن قلمداد نموده است.

علی‌رغم چنین چیزی در طول عمر جمهوری اسلامی، رقابت سیاسی نوسانات متفاوتی را به خود دیده است، زیرا همواره این ترس وجود داشته که رقابت از حالت سلامت نسبی خود خارج و به خشونت منجر گردد که می‌تواند اصل نظام را نشانه رود و به نقض غرض منجر گردد. این قضیه در سال‌های بعد از دوم خرداد ۷۶ و روی کار آمدن سید محمد خاتمی خود را بیشتر نشان داده است؛ زیرا «بدون تردید می‌توان گفت [حداقل] در دو ساله‌ی اول زمامداری خاتمی، جلوه‌های بی‌ثباتی و خشونت سیاسی به نسبت چند سال قبل (۱۳۶۱-۱۳۷۵) خودنمایی بیشتری پیدا کرده است»^(۵) حال این سؤال مهم پیش می‌آید که آیا می‌توان حالتی را تصور کرد که در آن رقابت سیاسی نخبگان نظام جمهوری اسلامی تناسب منطقی با ثبات سیاسی نظام پیدا کند؟ و این

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصل شصت و دوم

۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصل یکصد و هفتم

۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصل یکصد و هفدهم

۴. قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصل یکصد و هفتاد و هفتم

۵. ابوالفضل دلاوری، بررسی ریشه‌های خشونت و بی‌ثباتی سیاسی در ایران، پایان‌نامه‌ی دکتری، دانشکده‌ی

حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تیرماه ۱۳۷۸، ص ۲

حالت چه شرایطی دارد و وقوع آن چه ساز و کارهایی را می‌طلبد. پاسخ این سؤال‌ها وقتی اهمیت بیشتری می‌یابد که توجه کنیم که هم‌اکنون جمهوری اسلامی با پشت سرگذاشتن بحران‌های اولیه و برخورداری از توانمندی‌های نسبی در زمینه‌های مختلف، نیازمند نهادینگی در اجزای مختلف خود است و یکی از این اجزای رقابت سیاسی است، بی‌تردید چنان‌چه این نهادینگی صورت پذیرد، نظام در یکی از نقاط مهم و آسیب‌پذیر خود بیمه شده است.

آیا می‌توان به چنین بیمه و اطمینانی دست یافت؟ سؤال مهم بعدی که ذهن انسان را متوجه تجربه‌ی جهانی حاصل شده از رقابت سیاسی در حوزه‌ی ثبات سیاسی می‌نماید. این است که به بیان دیگر درست است که این تجربه از لحاظ عملی در جمهوری اسلامی تجربه‌ای جدید و اولیه است، اما آیا مشابه آن را، با درجاتی متفاوت از تشابه، می‌توان به دست آورد و به منزله‌ی تجربه‌ای انسانی با پرهیز از تقلید صرف، از آن بهره برد؟

پاسخ این سؤال‌ها با نگاهی به بخشی از دنیای کنونی به دست خواهد آمد که در نظام‌های سیاسی که خود را «مردم سالار نامیده‌اند»، دیر زمانی است که «پیکارهای رقابتی خشن که تمامیت و اصل نظام سیاسی را مورد تهدید قرار می‌دادند، به رقابت‌های مسالمت‌آمیزی مبدل شده‌اند که پایداری و ثبات را برای نظام‌های سیاسی به همراه داشته است».^(۱) جا دارد که به استناد قسمت «ب» بند ۶ اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی (که استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته‌ی بشری و تلاش برای پیشبرد آن‌ها را مفروض می‌انگارد)، گزینش مطلوب خود را با هدف نجات رقابت سیاسی در جمهوری اسلامی از بی‌قاعدگی و تبدیل آن به سنتی مدلدار که بتواند پایداری و ثبات را برای جمهوری اسلامی همراه آورد، انجام دهیم. اگر این را که مهم‌ترین مشغولیت ذهنی نگارنده بوده که انتخاب چنین موضوعی را موجب شده به این جمله‌ی بنیانگذار فقید جمهوری اسلامی اضافه کنیم که «اگر نماز جزء فرایض است، حفظ جمهوری اسلامی از اعظم فرایض است» انگیزه‌ی اصلی طرح و پی‌گیری روشن‌تر می‌شود. چرا که یکی از جنبه‌های حفظ نظام در نهادینه‌سازی رقابت سیاسی بین نخبگی

۱. حجت‌الله ابوبی، پیدایی و پایایی احزاب سیاسی در غرب، تهران، سروش، ۱۳۷۹، ص ۲۹

ظاهر می‌شود.

از طرف دیگر تردیدهایی که در سال‌های اخیر درباره‌ی بنیادهای نظام جمهوری اسلامی شده،^(۱) بسیاری از هواداران نظام را مردد ساخته است که آیا در چنین نظامی جایی برای رقابت سیاسی وجود دارد؟ بر فرض وجود، آیا این رقابت می‌تواند از حالت کهنه‌ی خشن خارج شود و براندازی را به ثبات تبدیل نماید؟ آیا امکان خروج از تردیدها و بن‌بست‌های (فرضی) طرح شده وجود دارد؟ این سؤال‌ها و سؤال‌های مشابه برای بسیاری از افراد احتمال تداوم سنت خشونت را مسجل ساخته و این احتمال را به وضعیت کنونی کشور ربط داده‌اند.

با این توصیف نگارنده در این تحقیق درصدد طراحی مدل، یا حداقل تجویزهایی درباره‌ی چگونگی تبدیل رقابت سیاسی بی‌قاعده و احياناً خشن به رقابتی هدفدار، سالم، باقاعده و در نهایت نیل به ثبات سیاسی نظام است.

۲- تعریف مفاهیم و ابعاد موضوع

حوزه‌ی بررسی پژوهش حاضر در بستر نهادینگی واقع شده است. فضای نهادینه‌سازی، فضایی است که در آن یک نظام سیاسی تلاش می‌کند خود را به روش‌ها و سازوکارهای مختلف، در جامعه تثبیت نماید. نهادینه‌سازی روش‌های مختلفی دارد و برای نیل به آن تجویزهای متفاوتی بسته به جوامع مختلف صورت گرفته است. تلاش برای یافتن ساز و کارهای مناسب از راه طراحی مدلی برای ثبات سیاسی جمهوری اسلامی نیز در همین راستا قرار دارد. چنانچه این مدل دست‌یافتنی باشد، در پرتو آن رقابت سیاسی نیز جایگاه خود را بازخواهد یافت. با هدف جلوگیری از خلط احتمالی مفاهیم کلیدی، لازم است نگرش کلی خود را نسبت به مفاهیم اصلی این تحقیق روشن سازیم.

در یک دورنمای کلی، رقابت سیاسی را می‌توان به دو گونه تصویر کرد. این دورنما

۱. برای نمونه رجوع شود به:

Stephen c. fair banks, Theocracy versus democracy: Iran considers political parties, the middle East Journal, vol. 52, winter 1998, P: 17-31.

حاصل شده از واقعیات حاکم بر جوامع مختلف است. در جوامع مختلف معمولاً برای دستیابی به قدرت سیاسی همواره مسابقه‌ای با سرعت و شدت متفاوت بین نیروهای سیاسی در جریان است. این مسابقه به خودی خود هدف نیست و به مثابه‌ی ابزار و وسیله از آن استفاده می‌شود. این مسابقه‌ی ابزاری، گاهی حکم ابزار اول دارد و برخی اوقات جزء چندمین ابزارهاست. آن‌جا که هدف شرکت‌کنندگان در مسابقه‌ی سیاسی صرف دستیابی به قدرت سیاسی است و قدرت سیاسی برای آنان هدف غایی تلقی می‌شود، نفس مسابقه حکم ابزار را دارد و در جایی که خود قدرت سیاسی نیز وسیله‌ای برای دستیابی به اهدافی عالی‌تر قرار گیرد، این مسابقه جزء چندین ابزار مورد نیاز قرار می‌گیرد.

این مسابقه متشکل از دو سطح رقابت است: رقابت مقدماتی و رقابت اصلی، قسمت عمده‌ی رقابت مقدماتی جنبه‌ی پنهان دارد و غیر از نخبگان در قدرت یا ناظران آگاه سیاسی، عامه‌ی مردم از آن اطلاع چندانی ندارند. کسب اطلاع از مواضع، نیروها، امکانات، زد و بندها، نقشه‌ها، طرح‌های کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت رقیب با استفاده از امکانات عادی یا بعضاً عوامل نفوذی، حذف‌های احتمالی که با اهداف دراز مدت صورت می‌گیرد، تلاش‌های نافرجام یا فرجام دار برای تأثیرگذاری بر مناصب یا ساختارهای تقریباً ثابت نظام سیاسی، این سطح رقابت سیاسی را شامل می‌گردد. به همین دلیل این بخش از رقابت سیاسی را می‌توان رقابت پنهان یا خارج از حوزه‌ی قدرت سیاسی آشکار نامید. نوع و چگونگی انجام این رقابت سیاسی به عوامل مختلفی بستگی دارد. از ساخت قدرت سیاسی گرفته تا نخبگان در قدرت، ساختارهای رقابت سیاسی و نخبگان خارج از قدرت سیاسی، همه و همه می‌تواند تعیین‌کننده‌ی سمت و سو و شدت و ضعف این بخش از رقابت سیاسی بوده، نتیجه‌ی نهایی را له یا علیه نظام سیاسی صورت دهند. ما در جای خود از این گونه رقابت سیاسی بیشتر سخن خواهیم گفت؛ اما در این‌جا همین قدر اشاره کنیم که نظر به این‌که این بخش از رقابت سیاسی در بخش دوم آن تأثیری بسزا دارد، مورد نظر ما در این تحقیق است.

سطح دوم رقابت سیاسی را که اصلی‌نامیدیم، آشکارا صورت می‌پذیرد، ساختارهای تعریف‌شده‌ای متناسب با ساخت حکومتی نوع خاصی را داراست، متولیان

رسمی دارد، دارای قواعد تعریف شده‌ای است که عموم مردم کم و بیش از آن مطلع‌اند، در عرصه‌ی تعریف شده‌ای صورت می‌گیرد، با شور و حرارت همراه است، صحنه علنی مشارکت سیاسی مردم در حکومت است، ساز و کارهای اجرایی آن امروزه انتخابات است که در سطوح مختلف صورت می‌گیرد، از طریق همین ساز و کارها است که مناصب سیاسی دست به دست می‌گردند، ساختارهای سیاسی متأثر می‌گردند و در مجموع با تعویض کارگزاران حکومتی، قدرت سیاسی دست به دست می‌شود. این، نتیجه‌ی رقابت سیاسی در سطح آشکار است. این‌که نتیجه‌ی رقابت سیاسی به نفع یا برضد نظام سیاسی باشد، بسته به شرایط متعددی است که تأمین آن‌ها شرایطی را می‌طلبد که برشماری آن‌ها در قالب مدل ثبات سیاسی، از اهداف این پژوهش است. این جنبه از رقابت سیاسی نیز منظور نظر ما در تحقیق حاضر است.

رقابت سیاسی خود به دو نوع تقسیم‌بندی می‌شود: هویتی و اقتصادی - اجتماعی. رقابت هویتی رقابتی است که بر سر بنیادهای هویتی صورت گیرد و رقابت اقتصادی - اجتماعی رقابتی است که موضوع آن مسائل روزمره و مبتلا به یک نظام سیاسی در سطح مدیریت جامعه است.

مؤلفه‌ی دوم راه، ثبات سیاسی تشکیل می‌دهد. در متون متعددی که جنبه‌های مختلف علوم سیاسی را در حوزه‌های اندیشه، جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسی سیاسی، اقتصاد و اقتصاد سیاسی و حتی علوم اجتماعی محض تشکیل می‌دهند، در کلمات سیاستمداران و حتی بسیاری افراد عادی از ثبات (stability) سخن به میان می‌آید و صفت‌های متعددی نیز به خود می‌گیرد: گاهی ثبات اجتماعی، گاهی سیاسی و گاهی مشروع. به علاوه ثبات سیاسی عموماً در دو قالب اقتدارگرایانه و دموکراتیک طبقه‌بندی شده است. اخیراً طبقه‌بندی سومی نیز اضافه شده و آن ثبات سیاسی پویاست. نیز در ایران امروز از ثبات سیاسی قبرستانی و ثبات سیاسی با نشاط سخن به میان آمده است. کلیه‌ی نظام‌های سیاسی موجود در عرصه‌ی دنیای کنونی که در جای خود طبقه‌بندی‌های متنوعی از آن‌ها عرضه شده است، هدف خود را برقراری ثبات سیاسی قرار داده‌اند و همگی به‌طور نسبی مدعی برقراری میزانی از ثبات سیاسی شده و می‌شوند و این چیزی است که چون دوام و قوام نظام سیاسی بدان وابسته است، همواره

مدعی آن‌اند.

در این تحقیق منظور ما از ثبات سیاسی همان ثبات سیاسی پویاست و ثبات سیاسی با محوریت اقتدارگرایانه در آن جای نمی‌گیرد. حال سؤال مهم این است که ثبات سیاسی دموکراتیک یا پویا چه تعریفی دارد؟

ثبات سیاسی متوجه حفظ نظام سیاسی است. هر کس از نخبگان سیاسی یا صاحب‌نظران که از این اصطلاح ذکری به میان آورده، از محتوای کلامش دیرپایی یا پایایی نظام سیاسی نتیجه شده است. ظاهراً در فضای نهادینه‌سازی نظام سیاسی، نباید غیر از این هم متوقع بود. یکی از راه‌های دیرپاسازی یک نظام سیاسی، اندیشیدن به مدلی برای ثبات سیاسی آن است. بسیاری از اندیشمندان تلویحاً در خلال دانشی از ثبات سیاسی، مطالب زیادی در این باره به رشته‌ی تحریر درآورده‌اند.

از میان مطالب فراوان در این زمینه، دو تعریف از دیگر تعاریف مشهورتر است: برخی از افراد ثبات سیاسی را به معنی تداوم یا استمرار یک نظام سیاسی دموکراتیک در مقطعی خاص از زمان تعریف کرده‌اند و عدم تداوم را معادل بی‌ثباتی سیاسی در نظر گرفته‌اند. در تعریف دوم، ثبات سیاسی مفهومی هنجاری فرض می‌شود. این تعریف که برگرفته از عینیات تجربی است، ثبات سیاسی را حالتی هنجاری می‌دهد که وجود یا عدم وجود آن را با هنجارهای حاکم بر یک نظام سیاسی در سنجش قرار می‌دهد. هر نظام سیاسی با هر ماهیتی، مدعی ثبات سیاسی است؛ دقیق‌تر آن است که بگوییم امروزه ثبات سیاسی حالتی نسبی یافته، از این نظام سیاسی به آن نظام سیاسی تفاوت می‌کند، طوری که باید کشوری را با ثبات‌تر از دیگری یا بی‌ثبات‌تر از آن قلمداد کرد و به عدم وجود ثبات سیاسی یا وجود ثبات سیاسی بر یک جامعه و جامعه‌ی دیگر قائل نشد. اهداف این تحقیق ایجاب می‌کند که مفهوم هنجاری ثبات سیاسی را مد نظر قرار دهیم. به این ترتیب محوریت تشخیص مصادیق، وجود ثبات سیاسی یا رخداد بی‌ثباتی سیاسی منوط به نوع هنجارها خواهد بود.

از لحاظ ابعاد موضوع باید اشاره کنیم که تحقیق ما فقط در بازخوانی تاریخ ایران معاصر با تأکید بر تاریخ جمهوری اسلامی از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۰ و از منظر تأثیر رقابت سیاسی بر ثبات سیاسی است و مواردی غیر از این را شامل نمی‌گردد.

۳- سؤال اصلی و سئوالات فرعی

بنابر آنچه در قسمت طرح مسأله آمد، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که «چه زمانی در جمهوری اسلامی ایران رقابت سیاسی به ثبات سیاسی منجر می‌گردد؟» البته این سؤال به خودی خود تازگی ندارد و نقطه‌ی زمانی طرح ذهنی آن (به منزله‌ی دل مشغولی عمده) به آغاز رقابت‌های سیاسی در نظام‌های سیاسی مردم‌سالاری برمی‌گردد که به خودی خود متولی رقابت سیاسی بوده، می‌خواسته‌اند از آن برای دیرپایی هرچه بیشتر خود بهره‌جویند. بر این اساس است که در غرب، جواب‌های عملی فراوانی به این سؤال داده شده و نهادهایی اجتماعی - سیاسی در پاسخ به این سؤال از متن ساختار حکومتی روییده است. جالب این‌که در ایران نیز این سؤال اولین بار نیست که طرح می‌شود، بلکه در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی و هنگام برقراری سازوکارهایی که به نحوی از انحاء اتکای اداره‌ی امور را به آرای عمومی مردم تحقق می‌بخشید و تعاملات آن‌ها تنش‌ها و بی‌ثباتی‌هایی را در پی داشت، در ذهن بسیاری از دست‌اندرکاران مربوطه ایجاد شد و به دل مشغولی آنان تبدیل گردید. گرچه تا حال حاضر درباره‌ی رابطه‌ی رقابت سیاسی و ثبات سیاسی، کار عمیق علمی مبتنی بر نظریات و تجارب دیگر جوامع در جمهوری اسلامی صورت نگرفته، گفتار و کردار بسیاری از مقامات طراز اول جمهوری اسلامی که حتی ناخودآگاه کلمه‌ی لزوم حفظ نظام را بارها و بارها، هنگام بروز و رشد و نوسانات رقابت سیاسی بر زبان آورده و از جناح‌های سیاسی خواسته‌اند که با رعایت حدود رقابت سیاسی، کنش خود را در چارچوب نظام معنادار نموده، آن را به همزیستی مسالمت‌آمیز تغییر ماهیت دهند، نشان‌دهنده‌ی آن است که سؤال پژوهش ما ناخودآگاه و آگاهانه (در بسیاری از موارد) برای آنان مطرح بوده است. به این ترتیب سؤال مزبور هم در نظام‌های سیاسی مردم‌سالار و هم در نظام جمهوری اسلامی در سده‌ها و دهه‌های اخیر به شکل‌های مختلف، ذهن بسیاری از دانش‌پژوهان و فعالان سیاسی را به خود مشغول کرده است. این سؤال مهم را وقتی می‌توان پاسخ داد که آن را به پرسش‌های فرعی تجزیه کنیم. به این ترتیب سئوالات فرعی ما عبارتند از:

۱- رقابت سیاسی چیست و ثبات سیاسی کدام است؟

- ۲- آیا از لحاظ مفهومی امکان برقراری پیوندی بین رقابت سیاسی و ثبات سیاسی وجود دارد؟
- ۳- بین رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در دوره‌ی زمانی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی چه رابطهای وجود داشته است؟
- ۴- ثبات سیاسی در برابر رقابت سیاسی در دوره‌ی تثبیت نظام جمهوری اسلامی (۱۳۶۴-۱۳۵۷) چه وضعیتی پیدا کرده است؟
- ۵- رابطه ثبات سیاسی با رقابت سیاسی در مقطع زمانی جنگ و سازندگی (۱۳۷۶-۱۳۶۴) چگونه بوده است؟
- ۶- در دوره‌ی اول ریاست جمهوری خاتمی ثبات سیاسی از رقابت سیاسی چگونه متأثر شده است؟

۷- آیا راهی برای مقارنه‌ی ثبات سیاسی و رقابت سیاسی در ایران وجود دارد؟ پاسخ اولیه ما به سؤال اصلی و سئوالات فرعی بالا به ترتیب فرضیه اصلی و فرضیه‌های فرعی تحقیق را تشکیل می‌دهند. اما پیش از بیان فرضیه‌ها لازم است متون موجود پیرامون موضوع تحقیق بررسی شوند. هدف از بررسی متون موجود پیرامون موضوع پژوهش آن است که نشان دهیم نوشتار حاضر در نوع خود کاری جدید و تلاشی نو است. تلاشی که به نحوی نیاز امروزی ما را تشکیل می‌دهد.

۴- فرضیه‌ی اصلی و فرضیه‌های فرعی پژوهش

گرچه رقابت سیاسی عمری دراز دارد، شکل امروزی آن محصول دوران جدید تاریخ بشری است. در روزگاران کهن نیز غالباً شاهزادگان بر سر تخت و تاج شاهی رقابت‌های خونینی داشته‌اند. مصداق این رقابت‌های سیاسی، محتوای کتاب‌های تاریخ تحولات سیاسی غرب و شرق دنیا را تشکیل داده است. دوره‌های زمانی قدیم و جدید تاریخ ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. از دوران هخامنشیان تا دوره‌ی یکصد ساله‌ی اخیر تاریخ ایران، گونه‌های فراوانی از این نوع رقابت سیاسی جنگی یا خونین در کشور ایران مشاهده شده است.

ثبات سیاسی نیز دل مشغولی و ذهن مشغولی عمده‌ی حاکمان سیاسی بوده است.

در ساده‌ترین حالت خود، می‌توان در گفتارها و نوشتارهایی که حالت اندیشه‌ای یا سیاست‌نامه‌ای یا حتی شریعت‌نامه‌ای در شرق و غرب جهان دارد، رگه‌هایی ضعیف یا قوی از توصیه‌ها، فرامین یا دستورالعمل‌های اجرایی دقیقی یافت که برای حفظ حکومت به زبان قدیمی یا جدید صادر شده‌اند. برای نمونه آن‌جا که ارسطو می‌گوید: «مهم‌ترین راه بقای حکومت‌ها، سازگار کردن روش تربیت افراد با سرشت قانون اساسی است»^(۱) کلام او ناظر به روش حفظ ثبات سیاسی است. بسیاری از افراد وقتی از شهریار ماکیاوولی یاد می‌کنند، ناخودآگاه تجویزهای ماکیاوولی برای حکام، همان روش‌های حفظ ثبات سیاسی یک نظام سیاسی را تداعی می‌کند. سیاست‌نامه‌ی خواجه نظام‌الملک طوسی نیز با محتوای مذهبی سنی خود در حقیقت دستورالعملی برای حفظ ثبات سیاسی حکومت است. این‌ها می‌رساند که ثبات سیاسی در شکل قدیمی خود نیز از سابقه‌ای طولانی برخوردار است.

پس هر دو مؤلفه‌ی موضوع کتاب حاضر با تکیه بر سابقه‌ای طولانی به دوران جدید وارد شده‌اند و مفاهیمی خلق‌الساعه نیستند. هر یک از این دو مؤلفه به جنبه‌ای مهم از یک نظام سیاسی نیز مربوط هستند؛ به همین دلیل نیز نگارنده این دو را برگزیده است. رقابت سیاسی (همان‌طور که پیشتر نیز اشاره شد) در واقع تجلی پویایی، تحرک و حضور نیروهای سیاسی در صحنه و محیط کنش‌ها و واکنش‌های نظام سیاسی است و از این بابت نمای بیرونی یک نظام سیاسی را تصویر کرده، به نمایش می‌گذارد و می‌تواند معیاری برای طبقه‌بندی نظام قرار گیرد و نوع آن را نشان دهد. ثبات سیاسی نیز با موجودیت، اصالت و پایانی یک نظام سیاسی سروکار داشته، از این بابت اهمیتی فوق‌العاده دارد. این دو مؤلفه بی‌تردید با بسیاری عوامل دیگر در ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم قرار دارند، اما آنچه برای ما اهمیت دارد، بررسی رابطه‌ی نمای بیرونی یا ظاهری نظام سیاسی با پایایی و موجودیت کلی آن است؛ بر این اساس مفروض‌های اساسی ما آن است که اولاً: بین نمای بیرونی یا ظاهری یک نظام سیاسی و موجودیت آن

۱. ارسطو، سیاست، ترجمه‌ی حمید عنایت، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱، ص

رابطه وجود دارد. ثانیاً: این رابطه مستقیم و متقابل است؛ یعنی این دو می‌توانند یک‌دیگر را تقویت یا تضعیف نمایند. ثالثاً: طراحی هر مدلی برای موجودیت نظام سیاسی قاعدتاً دربرگیرنده‌ی نمای بیرونی یا ظاهری نظام سیاسی خواهد بود. رابعاً: نظام جمهوری اسلامی به اعتبار شناسنامه‌ی خود نوعی نظام سیاسی جدید است که هم خواهان مشارکت و رقابت سیاسی است و هم به دیرپایی خود می‌اندیشد. خامساً: متولی رقابت سیاسی در ایران امروز است.

مبتنی بر مفروضات بالا و در پاسخ به سؤال اصلی و سئوالات فرعی، فرضیه اصلی و فرضیه‌های فرعی عبارتند از:

الف: فرضیه‌ی اصلی

در جمهوری اسلامی ایران هنگامی رقابت سیاسی به ثبات سیاسی می‌انجامد که (۱) بین نخبگان سیاسی نظام بر سر اصول موضوعه‌ی نظام سیاسی جمهوری اسلامی اجماع حاصل شود.

(۲) برای رقابت سیاسی، رقابت کنترل شده‌ی مورد توافق نخبگان طراحی گردد. برای آزمون درستی یا نادرستی فرضیه‌ی اصلی و در پاسخ به سئوال‌های فرعی مطالعه‌ی فرضیه‌های فرعی ذیل در متن تاریخ معاصر ایران و جمهوری اسلامی ضرورت دارد:

ب: فرضیه‌های فرعی

برای آزمون درستی یا نادرستی فرضیه‌ی اصلی و در پاسخ به سئوال‌های فرعی مطالعه‌ی فرضیه‌های فرعی ذیل در متن تاریخ معاصر ایران و جمهوری اسلامی ضرورت دارد:

(۱) رقابت سیاسی در مسابقه‌ی تصاحب و حفظ قدرت سیاسی تجلی یافته و ثبات سیاسی در حفظ الگوی متعارف نظام سیاسی خود را نشان داده است.

(۲) رقابت سیاسی اجزای مختلف یک نظام سیاسی را تغییر می‌دهد. تغییر اجزای نظام سیاسی ثبات سیاسی را افزایش یا کاهش می‌دهد. یعنی بین این دو پیوند وجود

دارد.

(۳) در دوره‌ی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی رقابت سیاسی در جهت کاهش ثبات سیاسی عمل کرده است.

(۴) در دوره‌ی تثبیت نظام جمهوری اسلامی به تدریج ثبات سیاسی در مقابل رقابت سیاسی تقویت شده است.

(۵) در دو دوره‌ی جنگ تحمیلی و سازندگی رقابت سیاسی تحت کنترل قرار گرفته و ثبات سیاسی در مقابل آن وضعیتی مطلوب‌تر یافته است.

(۶) در دوره‌ی اول ریاست جمهوری خاتمی ثبات سیاسی در برابر رقابت سیاسی به‌طور نسبی تضعیف شده است.

(۷) کنترل رقابت سیاسی راه اصلی مقارنه‌ی ثبات سیاسی و رقابت سیاسی در جمهوری اسلامی است.

توضیحات اجمالی ذیل فرضیه‌های بالا را تشریح می‌کند:

کشور ایران اولین بار رقابت سیاسی را در شکل جدید خود از دهه‌ی ۱۲۷۰ هجری شمسی به بعد تجربه کرد. تقریباً از این دهه بود که نخبگان سیاسی خارج از قدرت سیاسی و برخی نخبگان در قدرت سیاسی برای دستیابی به جایگاهی سیاسی یا تعویض جایگاه سیاسی خود به رقابتی پنهان دست زدند. این رقابت پنهان دو ویژگی داشت: یکی این‌که وارداتی بود، یعنی نوع رقابت سیاسی از کشورهای غربی یا حتی الامکان روسیه‌ی آن زمان الگو برداری شده و در ایران تجربه می‌شد و به هیچ وجه پایه‌ای بومی نداشت و با نگاه به درون و مقتضیات داخلی ایران صورت نمی‌گرفت. این رقابت سیاسی گرچه در پوشش الفاظی زیبا و مسالمت‌جویانه انجام می‌شد ولی از حقیقتی خشونت‌آمیز برخوردار بود. دوم این‌که هدف از آن نه دستیابی به پدیدار سیاسی مشخص، بلکه براندازی نظام سیاسی موجود بود. این ویژگی از یک سو از ماهیت نظام سیاسی قاجاری ناشی می‌شد که خصیلتی استبدادی داشت و خود را متولی سلطه‌ی قبیله‌ای قاجارها بر ایران می‌دانست، حضور هیچ مخالف سیاسی را بر نمی‌تابید، در مجموع به شعار «هرکس با ما نیست بر ماست» تمسک جسته، بدان عمل می‌نمود. از طرف دیگر ویژگی مزبور از آن‌جا سرچشمه می‌گرفت که نخبگان سیاسی می‌دانستند

که می‌خواهند چه چیزی را تخریب کنند؛ اما طرح واحدی برای ساختن بنای جایگزین نداشتند. بدیهی است که حاصل چنین وضعیتی نزاع خشونت‌بار است.

دو سال صدر مشروطه، در ایران فضایی را ایجاد کرد که رقابت سیاسی رها شده و بی‌حد و حصر از خصوصیات نمادین و بارز آن است. در این دوره، مطبوعات به طور کلی یله و رها بودند، حد و حصری برای اقدامات مختلف سیاسی مشروطه‌خواهان وجود نداشت. انجمن‌ها، احزاب و گروه‌های سیاسی در بیرون و داخل مجلس از هر امکان و فرصتی برای ضربه زدن به رقیب بهره می‌جستند تا به اهداف گروهی خود دست یابند. حاصل چنین فضای رقابتی بی‌قاعده‌ای، نومی‌دی حامیان مشروطه‌خواهی از دستیابی به دولتی مدرن و با ثبات و فراهم شدن زمینه برای کودتای محمد علی شاهی، بود. وقوع کودتای محمد علی‌شاهی مصداقی از تأثیر مستقیم کاهنده و تخریبگر رقابت سیاسی بر ثبات سیاسی در دوره‌ی مشروطه است. به همین ترتیب عدم حصول ثبات سیاسی، نظام در دوران‌های بعدی، بر وضعیت نامطلوب رقابت سیاسی تأثیر سوء نهاده است. دوره‌ی پس از استبداد صغیر، شاهد حاکمیت نسبی یک جریان سیاسی خاص بر اوضاع کشور و تداوم رقابت سیاسی بی‌قاعده است. تشکیل قارچی احزاب و دسته‌های سیاسی، برخوردهای خشن و یله‌ی مطبوعاتی، قتل مسلحانه‌ی برخی از سران مشروطه خواه، همه و همه نمودارهایی از رقابت سیاسی در دو شعبه‌ی پنهان و آشکار است که دستاوردی جز بی‌ثباتی سیاسی و عدم دستیابی به ثبات سیاسی پویا براساس چارچوب‌های مشروطه نداشتند است. همین وضعیت منجر به استقرار حکومتی اقتدارگرا در دوران ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ هجری شمسی در ایران گردید که وجه مشخصه‌ی آن ایجاد نوعی ثبات سیاسی اقتدارگرایانه و گورستانی در ایران بود. به عبارت دیگر در دوره‌ی حکومت پهلوی اول، رقابت سیاسی واقعی به نفع ثبات سیاسی اقتدارگرایانه حذف گردید و رابطه‌ی تعاملی دو مؤلفه از بین رفت.

دوره‌ی زمانی ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ به نوعی تکرار فضای رقابتی سیاسی یله و رهایی است که طی آن مطبوعات هیچ حد و مرزی را در گفتار و نوشتار خود رعایت نمی‌کنند، گروه‌های سیاسی علیه یک‌دیگر می‌تازند، ائتلاف‌ها و گسست‌های موقتی و دائمی تشکیل می‌شود، کابینه‌ها یکی از پس از دیگری سقوط می‌کنند، فقر و تیره‌روزی روز به

روز بیشتر بر کشور حاکم می‌گردد، گروه‌های سیاسی به خشونت متوسل می‌گردند و در یک کلام بی‌قاعدگی رقابت سیاسی کاملاً مشهود است. این‌جا نیز تأثیر رقابت سیاسی بر ثبات سیاسی، شکلی مخرب و شکننده داشته و در نهایت با کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ جای خود را به ثبات سیاسی اقتدارگرایانه داده است.

حکومت محمدرضا پهلوی نوع مدرن حکومت پهلوی اول بود که در آن رقابت سیاسی به نفع ثبات سیاسی اقتدارگرایانه به کناری نهاده شد. گرچه در ظاهر احزاب سیاسی نیز وجود داشتند، انتخابات بعضاً برگزار می‌گردید و در مجلس بعضاً حزب اقلیت و اکثریت وجود داشت، از لحاظ ماهیت، این رقابت سیاسی، صوری ارزیابی گردید. به عبارت دیگر رابطه‌ی تعاملی دو مؤلفه‌ی مورد بحث در این دوره جای خود را به معادله‌ی یک طرفه‌ی حاکمیت ثبات سیاسی اقتدارگرایانه بر همه چیز دارد. یکی از نتایج اجتماعی و سیاسی چنین فضایی رویداد انقلاب اسلامی بود که با در هم شکستن رژیم شاهنشاهی به پیروزی رسید.

دوره‌ی صدر انقلاب اسلامی که از سال ۵۷ تا تیرماه ۱۳۶۰ امتداد یافت، یادآور فضای رها و یله‌ی دو دوره‌ی سابق بود که به شکلی جدید ایجاد شده بود. گرچه در این دوره رویدادهای اساسی مانند تعیین و تصویب نوع نظام سیاسی جدید، قانون اساسی و نهادهای نظام سیاسی جدید پا گرفت، رقابت سیاسی نسبتاً به‌طور بی‌قاعدگی ادامه یافت و ثبات سیاسی نظام را متزلزل و موجودیت نظام را در معرض خطر قرار داد. در این دوره شخصیت و ابهت رهبر فقید انقلاب اسلامی، محور قرار گرفت و نقش تعادلی مهمی بازی کرد و توانست نظام سیاسی را حفظ نماید. با شروع جنگ و محور قرار گرفتن دفاع از کشور، رقابت سیاسی تحت کنترل قرار گرفت و همین کنترل در دوره‌ی سازندگی نیز به سود سازندگی ادامه یافت. گرچه در این دوره هیچ‌گاه رقابت سیاسی در هیچ‌یک از وجوه خود تعطیل نگردید و ثبات سیاسی نیز به‌طور نسبی حفظ گردید، اما تحت کنترل بود. دوره‌ی زمانی دوم خرداد ۷۶ تا ۷۹، که با درون‌مایه‌ی توسعه‌ی سیاسی رقم زده شد، فضایی را ایجاد کرد که طی آن شاخص‌ها، نمادها و ویژگی‌های سه دوره‌ی رقابت سیاسی و بی‌ثباتی سیاسی گذشته‌ی خود را نشان دادند و مجدداً نزاع‌های بنیادی گروه‌ها و جناح‌های سیاسی بیش از پیش هویدا گردید. اکثریت توده‌ی جامعه به نحوی از

انحای صدای زنگ‌های خطری را احساس کردند که موجودیت نظام سیاسی را نشانه رفته بود. خشونت‌های سیاسی گذشته باز تولید گردید، خطوط قرمز نظام سیاسی به وسیله‌ی افراد و جناح‌های سیاسی در نور دیده شد و بسیاری از نخبگان در قدرت سیاسی نسبت به اصل نظام و موجودیت آن، نقش اپوزیسیون یافتند. کابینه‌ی دوم خرداد بازیگر نقش دولت اپوزیسیون گردید که شاید در تاریخ دولت‌ها از این لحاظ کم‌نظیر یا بی‌نظیر باشد. بسیاری از مطبوعات با بهره‌گیری از امکانات دولتی علیه موجودیت نظام سیاسی وارد عمل شدند و در بیان دیدگاه‌های مختلف هیچ مرزی را رعایت نکردند. بار دیگر بسیاری از افراد و جناح‌های سیاسی تلاش کردند جامعه‌ای قطبی؛ مرکب از سیاه و سفید و نه سفید یا سیاه نسبی بسازند و از آن برای جناح یا گروه خود بهره‌برداری نمایند. بسیاری از فعالان سیاسی به جای مبارزه در چارچوب رژیم سیاسی از کمک خارجی برای مبارزه با رژیم سیاسی بهره‌گیری کردند. برخی نیروهای سیاسی برای حذف مخالفین خود در گفتارها و نوشتارهای خود، نهادهای قانونی نظام سیاسی را زیر رگبار افترا و توهین قرار دادند. به نهادهای قانونی حافظ امنیت ملی مانند ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی انتظامی حمله شد و نیروی اخیر در جریان حوادث کوی دانشگاه منکوب گردید. جناح سیاسی که در انتخابات ریاست جمهوری بازنده شده بود، زیر حملات خردکننده‌ی جناح پیروز قرار گرفت و تا مرز نابودی پیش رفت.

گرچه از سال ۷۹، نظام سیاسی جمهوری اسلامی تا حدودی اوضاع را با استفاده از ابزارهای قانونی و امنیتی کنترل کرد، اما توانمندی‌های رقابت سیاسی بحران‌زا هم‌چنان باقی ماند. در سال‌های بعد از ۷۹ نیز با دستیابی جناح پیروز در انتخابات ریاست جمهوری به مجلس ششم حلقه‌ی اپوزیسیون دولتی تکمیل‌تر گردید و مجلس شورای اسلامی نیز با ورود به عرصه‌ی اختلافات، جو جامعه را متشنج‌تر ساخت.

نکته‌ی آخر اینکه در پژوهش حاضر متغیر وابسته، ثبات سیاسی و متغیر مستقل، رقابت سیاسی است و باید این توضیح را اضافه کنیم که روش نشان دادن صحت یا عدم صحت فرضیه‌ها آن است که ما در ضمن بررسی تأثیر رقابت سیاسی بر ثبات سیاسی در ایران معاصر اولاً به سراغ بخش‌هایی می‌رویم که در آن‌ها مسابقه برای تصاحب و حفظ قدرت سیاسی وجود داشته است؛ ثانیاً در آن بخش‌ها به علل بی‌ثباتی یا ثبات سیاسی با